

تعريفات قرآنی نوعی ناشناخته از علوم قرآنی

سید محمد رضا ابن الرسول

دامنه معارف قرآن کریم، به قدری گسترده است و راه های ناپیموده و بی پایان دارد که هرچه بیشتر می نوردی کمتر احساس تکرار و ملال می کنی؛ و افق دانش های این نامه آسمانی به اندازه ای بی کران است که هر بار چشم می دوزی با چشم اندازی چشم نوازتر، رو به رو می شوی. از همین رو، محدود کردن علوم قرآنی به چندین و چند علم و احصای آن ها ۱ - هر چند به هشتاد گونه ۲ بالغ شود - کاری نه در خور این مائده الهی است. ۳

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، قرآن شناسان متقدم، معیار روشنی برای شناسایی و معرفی یکایک علوم قرآنی و جداسازی آنها از یکدیگر عرضه نکرده اند، ولی آن گونه که شنیده می شود ۵ قرآن پژوهان معاصر، تأملاتی در این باره گزارده اند.

آنچه مسلم است هر بخش ۶ از معلومات آموختنی که از بررسی الفاظ، معانی یا سبک آیات قرآن به دست آید، می تواند به عنوان گونه ای جداگانه از انواع علوم قرآنی ۷ مطرح شود و یا در نهایت ذیل یکی از این گونه ها مورد بحث قرار گیرد. ۸

بر این اساس، نگارنده مبحثی را عنوان می کند که مدعی است به دلیل آن که این مبحث، دست کم در سبک ارائه، پیشینه ای نداشته، می تواند به عنوان گونه ای نو از علوم قرآنی به شمار آید. شایان ذکر است آنچه در این مقاله آمده، تنها گام نخست یک پژوهش و در حدّ پیش نویس یک طرح تحقیقاتی یا پیش نهاد ۹ یک پایان نامه تحصیلی است و نگارنده تنها کلیات بحث و بایسته های پژوهشی آن را یادآور شده است. به همین دلیل نباید انتظار داشت، ارجاعات و مراجع این گفتار، همگون سایر مقالات علمی باشد.

تبیین بحث

با مطالعه آیات قرآن، به نظر می رسد قرآن در مواضعی در مقام تعریف و بیان یک موضوع برآمده است. این موضوعات تعریف شده، یا از جمله پدیده های طبیعی اند و یا آن که از گروه نهاده های زبانی محسوب می شوند.

البته «تعریف» در این مقاله، به معنای مصطلح منطقی آن نیست، بلکه معنای لغوی آن یعنی «شناساندن» و - به تعبیر رایج - «معرفی کردن»، مراد است. این شناخت دهی در قرآن، گاه با بیان هویت معرف و برخی اوصاف و ویژگی های آن، گاه با ارائه برداشتی نو از مفهوم معهود آن، گاه با ذکر علائم، آثار و نتایج آن، گاه با یادکرد نمونه های بارز آن و گاه با بازگویی حکم آن انجام گرفته است. نیز این تعاریف، گاه در پاسخ به سؤالی از سوی مخاطبان و گاه بی آن که مسبوق به پیشینه ای باشد عرضه شده است.

انواع معرف ها در قرآن

آشنایان با زبان عربی، با مقایسه مفاهیم واژگان به کار رفته در قرآن با معانی همان واژگان در زبان مردم آن دوران در می یابند که بسیاری از این کلمات، در معانی لغوی خود به کار نرفته، بلکه گویی لباس نوی از معنی بر تن کرده و مفاهیم تازه ای را نمایانده است؛ به گونه ای که این واژگان به تدریج در جامعه مخاطب قرآن، معانی اصلی خود را از دست داده و گویی در معانی جدید خود، به حقیقت دیگری مبدل شده اند. البته سخن در چند و چون و نشو و نمای این دسته از کلمات - که اکنون آنها را اصطلاحات دینی می نامند - سخن تازه ای نیست و ما نیز تحقیق مطلب را به محل خود وامی گذاریم؛ ۱۰ اکنون می گوئیم قرآن شمار قابل توجهی از این اصطلاحات را خود تبیین و تعریف کرده است و این همان مدعایی است که مقاله حاضر، بدان نظر دارد.

از سویی در روایات - که معتبرترین تفسیر قرآن به حساب می آید - مواردی را می بینیم که اهل بیت (علیهم السلام) برای بیان و تعریف یک اصطلاح دینی به طور مستقیم از تعبیرات و آیات قرآن استفاده کرده اند. ۱۱

بنابراین دسته اول معرفهای قرآن، شامل اصطلاحات حوزه دین است. اما تعریفات قرآنی به این موارد منحصر نمی شود و برخی امور دیگر را نیز در بر می گیرد که در ادامه به آن اشاره خواهیم داشت.

شیوه های «تعریف» در قرآن

به هنگام کاوش و استخراج هر مورد از تعریفات قرآنی، احراز این نکته لازم است که قرآن در آن مورد، در مقام تعریف و تبیین برآمده است.

نگارنده با کاوشی که در این باره به عمل آورده - و البته به هیچ روی آن را تفحصی کامل نمی داند - مواردی را به عنوان اسلوبهای تعریف قرآنی قابل طرح دانسته که فهرست وار بدان اشاره می شود: ۱۲

۱. مواردی که با عبارت هایی همچون «یسألونک عن»، «و ما ادراک ما»، «انبئکم»، «هل أدلکم»، «هل أتاک حدیث» و امثال آن، بیان شده است.

۲. برخی از موارد استفهام با «ما» و «من».

۳. برخی از موارد کاربرد «من» نشوی و «من» تبعیضی.

۴. برخی از بدل ها. ۱۳

۵. برخی از مواردی که یک یا چند امر را از یک مجموعه خارج می کند. ۱۴

۶. مواردی که منعتی در آخر آیه، و نعت آن در آغاز آیه بعد ذکر می شود. ۱۵

۷. مواردی که موصولی در صدر آیه، و اسم اشاره ای در ذیل همان آیه آورده می شود. ۱۶

۸. مواردی که رابط خبر با مبتدا - به جای ضمیر - خود، یک کلمه است. ۱۷

۹. بسیاری از جمله های اسمیه. ۱۸

۱۰. اسلوب های حصر، همچون:

- آوردن ضمیر فصل. ۱۹

- کاربرد «لکن» پس از «لیس». ۲۰

- استعمال «انما» ۲۱ و ...

پیشینه پژوهش و مطالعات مقدماتی لازم

تا آنجا که نگارنده اطلاع یافته است، این موضوع تاکنون به طور جداگانه، مورد نظر نبوده و در آن کاوشی صورت نگرفته است. البته در کتابهای مربوط به واژگان قرآن و برخی تفاسیر - که از شیوه تفسیر قرآن به قرآن استفاده کرده اند - گاهی در مقام بیان واژه ها و مصطلحات خاص قرآنی از خود آیات بهره جسته اند، ولی نگاه آنان به این امر، یک نگاه آلی و ابزاری بوده است. نیز در شاخه هایی از علوم قرآنی می توان جای پای این بحث را یافت که برای انجام این پژوهش، باید در آن مباحث نیز تأمل کرد.

به طور کلی مطالعه مبحث حقیقت شرعی در اصول فقه، بررسی ملاک های تنوع و تفکیک علوم قرآنی، مراجعه به برخی موضوعات قرآنی همچون «اسباب نزول»، «تأویل»، «وجوه و نظائر»، «حقیقت و مجاز»، «خاص و عام»، «غریب القرآن»، «مجمّل و مبین»، «مطلق و مقید»، «حصر و اختصاص»، «کنایه و تعریض»، «مبهمات» و «مفردات»، در طی مراحل این تحقیق، بایسته یا سودمند خواهد بود.

بایستگی، اهداف، نتایج و کاربردهای این پژوهش

ضرورت این تحقیق به ضرورت گسترش دانش - آن هم در حوزه قرآن و حدیث - باز می گردد؛ اینکه اصطلاحات دینی و یا برخی پدیده ها و نهادهای دیگر، از نگاه قرآن چگونه تعریف می شوند، گام نخست هرگونه پژوهش در علوم و معارف الهی است.

هدف از این پژوهش نیز چیزی جز اثبات مدعا ۲۲ و فرضیه های اولیه ۲۳ آن نیست و پس از انجام موفق آن، فرهنگواره ای از تعاریف مبتنی بر نص آیات قرآن به دست می آید که می توان آن را بر اساس «معرف» ها، تنظیم و ارائه کرد.

فراورده این طرح، به طور مشخص می تواند در تحقیقات و تألیفات زیر مورد مراجعه و استفاده قرار گیرد:

الف. کلیه دانش نامه ها، دائرة المعارف ها، فرهنگهای اصطلاحات علوم اسلامی و واژه نامه های قرآنی.

ب. کلیه تفسیرها، به ویژه تفاسیر قرآن به قرآن.

ج. ترجمه های قرآن.

د. تفاسیر موضوعی.

هـ. بحث جداسازی بین معانی لغوی از معانی ثانوی (در واژگان قرآنی)، که در اصول فقه و نیز زبان شناسی مطرح است.

در پایان از همه صاحب نظران در علوم قرآن و حدیث، خاضعانه می خواهم که از سرلطف نگاهی به نوشته حاضر افکنده - البته چنانچه آن را در خود نقد و نظر می یابند - نگارنده را به تذکراهای خود بنوازند.

۱. قطب‌الدین شیرازی (در درة التاج لغرة الدباج، تصحيح شده سيد محمد مشكوة، انتشارات حكمت، ۱۳۶۵ ش، ۱۶۷)، دانش‌های قرآنی را دوازده گونه، و بدرالدین زرکشی (در البرهان فی علوم القرآن، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، دار الكتب العربیة، ۱۳۷۶ق، ۹/۱-۱۲) آنها را چهل و هفت نوع دانسته است، همو به نقل از فقیهی به نام ابن العربی، شمار علوم قرآن را تنها در محدوده کلمات، به ۳۰۹۸۰۰ علم رسانده است؛ نگاه کنید به: البرهان، ۱۶/۱.

۲. جلال‌الدین سیوطی، علوم قرآن را هشتادگونه بر شمرده است؛ به مقدمه «الاتقان» مراجعه شود.
۳. بدرالدین زرکشی در البرهان ۹/۱، عبارتی آورده که ترجمه آن چنین است: «از آنجا که علوم قرآن در حصر نیاید و معانی آن قابل استقصا نیست، باید به قدر ممکن بدان اهتمام ورزید».
۴. برای توضیح بیشتر، نگاه کنید به: علوم القرآن عند المفسرین، مركز الثقافة و المعارف القرآنیة، قم، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۴ش، ۹/۱.

۵. حضرت استاد آیت‌الله معرفت، بنا به اظهار نظر شفاهی ایشان در کتابی که به تازگی به دست‌نشر سپرده شده رأی خود را در این باره آورده است، جناب مهدوی راد نیز یک بار به کوشش‌های خود و برخی صاحب‌نظران معاصر در مورد ملاک تفکیک علوم قرآنی اشاراتی داشته است؛ نیز نگاه کنید به: علوم قرآن و فهرست منابع، طالقانی، عبدالوهاب، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۶۱ش، ۴۵ - ۶۰.
۶. معانی و تفسیر آیات، تخصیصاً یا تخصصاً از دایره علوم قرآنی خارج است؛ نگاه کنید به علوم القرآن عند المفسرین، ۹/۱ - ۱۰.

۷. مقصود از علوم قرآنی در این مقال، علمی است که از قرآن استخراج می‌شود و از بررسی آیات به دست می‌آید و در اصطلاح «علوم فی القرآن» نامیده می‌شود.
۸. نگارنده در اینجا در مقام تعریف علوم قرآنی نیست، از این رو قیودی همچون «نگاه افکندن از بیرون به قرآن» و «مقدم بودن بر تفسیر» که برخی برای تعریف علوم قرآن ذکر کرده‌اند، نیز قابل توجه است؛ نگاه کنید به: علوم القرآن عند المفسرین، ۹/۱.

۹. Proposal.

۱۰. در دانش‌گرانیه «اصول فقه»، مباحث گسترده‌ای در این باره با عنوان «حقیقت شرعی» مطرح است؛ ناگفته نماند در اصل وجود الفاظی با معانی غیرلغوی خود - یعنی معانی شرعی - ظاهراً اختلافی نیست، اما اینکه این الفاظ در عصر نبوت به حقیقت تبدیل شده‌اند - تا آنها را حقیقت شرعی بنامیم - و یا پس از آن عصر، حکم حقیقت را یافته‌اند - که آنها را حقیقت متشرعه بدانیم - مورد اختلاف است. نیز آن که این فرایند، با وضع تعیینی یا تعینی صورت پذیرفته، محل بحث است، البته مقصود ما در این مقال، چیزی فراتر از حقیقت شرعی یا متشرعه است و همه معانی جدید واژگان قرآن - و نه تنها معانی شرعی و فقهی آن - را در بر می‌گیرد که ظاهراً تعیینی بودن وضع در برخی موارد، مشهود است.

۱۱. به عنوان نمونه به این کلام امیرمؤمنان (ع) توجه فرمایید: «الزهد کله بین کلمتین من القرآن، قال الله سبحانه: «لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لاتفرحوا بما آتاکم» و من لم یأس علی الماضي و لم یفرح بالآتی فقد أخذ الزهد بطرفیه». نگاه کنید به: نهج البلاغه، نسخه همراه با معجم المفهرس، حکمت ۴۳۹.

۱۲. در اینجا برای مواردی که می توان با استفاده از فهرست های واژگان قرآن به نمونه های آن دست یافت، مثالی ذکر نشده است.
۱۳. مثل آیه ۵ سوره فاتحه، در تعریف «الصراط المستقیم».
۱۴. مثل آیات ۸ و ۱۶ سوره بقره، به ترتیب در تعریف «مؤمنین» و «مهتدین».
۱۵. همانند آیه ۳ سوره بقره، و آیه ۳۱ سوره نحل، و آیه ۴۹ سوره انبیاء، در تعریف «المتقین»، و آیه های ۲۷ و ۴۶ سوره بقره، و آیه ۱۹ سوره هود، و آیه ۲۰ سوره رعد، و آیه ۳۵ سوره حج، به ترتیب در تعریف «الفاسقون»، «الخالعون»، «الظالمین»، «اولوالالباب» و «المخبتین».
۱۶. همچون آیات ۱۵۹ و ۱۶۱ سوره بقره، در تعریف ملعونان.
۱۷. مانند آیه ۹۸ سوره بقره، در تعریف «الکافرین»، و آیه ۵۶ سوره مائده در تعریف «حزب الله».
۱۸. مانند آیه ۵۵ انفال، در تعریف «شرّ الدوابّ» و نیز بسیاری از جمله های اسمیه که مبتدای آنها اسم اشاره است؛ به عنوان نمونه نگاه کنید به: سوره یوسف/۴۰، سوره زمر/۳۴ و سوره تغابن /۹.
۱۹. مانند آیات ۵، ۱۲، ۱۳، ۲۷، ۱۲۱ و ۱۷۷ سوره بقره، به ترتیب در تعریف «المفلحون»، «المفسدون»، «السفهاء»، «الخالسون» و «المتقون». نیز بیشتر قالب های «اولئک هم» و «ذلک هو».
۲۰. مانند آیه های ۱۷۷ و ۱۸۹ سوره بقره، در تعریف «برّ».
۲۱. مانند آیه ۵۵ سوره مائده، آیه سوره انفال، به ترتیب در تعریف «ولی» و «المؤمنون».
۲۲. مدعای تحقیق پیشنهادی، گزاره مورد پرسش در این سؤال اصلی است که آیا می توان گونه ای جدید از علوم قرآنی را با عنوان «تعریفات قرآنی» شناسایی کرد؟
۲۳. فرضیه های این تحقیق را می توان در موارد زیر، خلاصه کرد:
- الف. در قرآن واژه هایی وجود دارد که این واژگان با معانی مورد نظر قرآن، پیش از این در زبان و فرهنگ عرب کاربرد نداشته است.
- ب. قرآن، گاه خود به تعریف این دسته الفاظ - یا به تعبیر گویاتر، اصطلاحات - پرداخته و گاه از دیگر پدیده های معهود در میان مخاطبانش نیز، تعریف جدیدی عرضه کرده است.
- ج. از قرآن عباراتی قابل استخراج است که می توان از آنها به عنوان گزاره های خبری در تعریف اصطلاحات دینی بهره جست.

